

تفزیه

شارل ویرولو
Charles Virolleaud

ترجمہ: جلال ستاری

پروفیسر، گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامیہ

پرتال جلال



پرو، شہد کاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی
تغزیه •

هر سال در آغاز ماه محرم، شیعیان خاطرهٔ واقعهٔ کربلا را زنده می‌کنند یا دست‌کم تا سالیان اخیر زنده می‌کردند. این ده روز همه‌جا و عظم است و زنجیرزنی‌های سخت که گاه مرگبار است^۱ و یا مرگبار بوده است و بفرجام، نمایشهای تئاتری که تعزیه نامیده می‌شوند.^۲

نیت از برگزاری همهٔ این مراسم، همواره یکی است و آن سوگواری و اشکباری بر شهیدان کربلا به هر چندگاه است، و اگر این اشکباری و عزاداری با خونریزی و مرگ همراه باشد، نعمت مضاعفی است که نصیب عزاداران شده، چون مؤمن از آن رهگذر بهتر به مولای خویش اقتدا کرده و تشبه جسته است، یعنی مردی که در میدان جنگ گفته بود: «من چون خون می‌گیریم، رهسپار باغ بهشت خواهیم شد». بنا بر این تنها کشته شدن حسین (ع) برای نجات امتش کافی نیست، بلکه هر گناهکار باید در طول حیات خاکیش، دست‌کم یکبار اشکی بر ماتم وی ریخته باشد. این شرط مطلق لازم و ضرور برای رستگاری است.

از میان جلوه‌های مختلف پارسایی و دینداری شیعیان، تعزیه جالب‌توجه‌تر از همه است و ما در اینجا تنها به آن می‌پردازیم.

کنت دو گوینو در حدود صد سال پیش در کتاب معروفش *Les Religions et les philosophies dans L'Asie centrale* بر اروپائیان آشکار ساخت^۳ که در ایران، ادبیات دراماتیک و سیعی وجود دارد که در آن‌زمان، یعنی در نیمه قرن نوزدهم، در کمال شکوفایی بود و سراسر مربوط به یک واقعه، واقعه کربلا می‌شود.

هیچ دلیلی در دست نیست که ثابت کند سرآغاز این تئاتر از پایان قرن هفدهم، عقب‌تر می‌رود. در واقع سیاحان بزرگ قرن هفدهم به آن هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند: نه Oelschläger آلمانی که بیشتر به نام لاتینیش Olearius شهره بود^۴، نه Tavernier و Chardin فرانسوی^۵. حال آنکه شاردن فی-المثل، در ایران زیسته و شاهد دقیق امور بوده است تا آنجا که از دولت وی، ایران در قرن لویی چهاردهم، از همه کشورهای مختلف جهان، بهتر شناخته بوده است.

با اینهمه، افسری در خدمت کمپانی هند، به نام W. Franklin در توصیف مراسم عزاداری ماه محرم در شیراز به سال ۱۷۸۸ که خود شاهد آن‌ها بوده، از روایاتی (تعزیه) که به قولش گاه منظوم است و صحنه‌های نمایش حقیقی است و دوتا از آن مجالس خاصه توجه و نظر ویرا به خود جلب کرده بودند: «شهادت قاسم» و «سفیر فرنگی»، یاد می‌کند.

بیست سال بعد، دیپلمات انگلیسی جیمز موریه (James Morier) به تفصیل بیشتر چگونگی عزاداری شیعیان در ماه محرم به یاد واقعه کربلا را شرح می‌دهد. اما چنانکه گفتیم گوینو



MAHOMET ET ALI, LE VISAGE VOILÉ, PLEURENT SUR LES TOMBEAUX
DE HASSAN ET DE HOSSÉIN.



از سه مجلس تخریب متعلق به کتابخانه مدرسه السیة شرقیة پاریس

Hour rencontre l'imam Hosséin (v. p. 43, n. 1)

نخستین کسی است که این تئاتر را جزء به جزء توصیف کرده است. تعزیه در گوینو تأثیری قوی بجا گذاشته بود و وی با ذوق و شوق از آن سخن می‌گوید و حتی تا آنجا می‌رود که تعزیه را با شاهکارهای اشیل و دیگر تراژدی‌نویسان یونان، قیاس می‌کند.

اما این سخن بیگمان بسی مبالغه‌آمیز است و در واقع بجاست که تئاتر ایرانی را با نمایشهای مذهبی قرون وسطی در غرب قیاس کنیم، نه با اورستی (Orestie)^۶. از لحاظ ادبی، تعزیه اثری است که ساختنش بسی سهل و آسان است و این سهولت غالباً موجب اطناب شده و در نتیجه در این درام‌ها، روده‌درازی و اطالۀ کلام و تکرار مکررات که گویی پایان‌ناپذیرند بسیار است، اما تعزیه متضمن ابیات زیبا و تضرعات و دعا‌های المناکی نیز هست که لحن شاعر در آن سروده‌ها، تا حد نمط عالی اوج می‌گیرد.

معهد ما در اینجا تعزیه را از لحاظ ادبی بررسی نمی‌کنیم، بلکه فقط به عنوان اسناد درخور توجه و گرانبهای تاریخ دین که هر یک، نمایشگر مرحله‌ای از تراژدی تاریخ شیعه است، منظور داریم. وانگهی گاه یک شاعر یا شاعران مختلف که تنه‌نامه‌شان بر ما شناخته است، بارها به بعضی مضامین معین پرداخته‌اند.

پانویسها

۱- ب. ورشاکین B. Vereshagine (۱۸۴۲-۱۹۰۴) نقاش، شرح خود از این مناظر را که در شوشا واقع در ماوراء قفقاز شرقی شاهدشان بوده، با طرحهای گیرا و مؤثری مصور کرده است. نگاه کنید به: *Le Tour du Monde* ۱۸۶۹، سه ماهه اول، ص ۲۵۴ و بعد. ده سال بعد الکساندر دوم، در *Impressions de Voyage: Le Caucase* فصل پانزدهم، همان مناظر را که در دربند و باکو و شوماکا (Schoumaka) دیده بود، توصیف کرد. پیرلوتی (در *Verc Ispahan*، ص ۱۷۷)، حکایت می کند که چگونه در شیراز، نگذاشتند که وی این مراسم را تا آخر ببیند.

۲- لغت تعزیه که عربی است به معنای تسلیت یا تسلی، علی الاصول، به مجموع مراسم عزاداری و سوگواری اطلاق می شود که در بزرگداشت شهدای کربلا، برپا می گردد، اما معنای محدودتری دارد که منظور ماست و در اینجا به کار می بریم. هر یک از قطعات این نمایش، مجلس نامیده می شود. درباره شیوه نمایش مجانس ر. کک. به: *Gobineau, Relig. et philos.*، فصل چهارم و *Chodzko, Théâtre persan*، ص نوزده و بعد.

علاوه بر تعزیه که نمایشی مذهبی است، در ایران تئاتری کمدی یا هجوآمیز نیز وجود دارد که درباره اش می توان به مآخذ زیر رجوع کرد: *Chodzko*، همان ص ده و بعد؛ *Essai, Dozy*، ص ۴۷۲ و بعد،

E. G. Browne, *A history of Persian literature in modern time*

ص ۴۵۹-۴۶۴.

۳- معینا، Alex. Chodzko در سال ۱۸۴۴ در *Revue indépendante* مقاله ای به نام *Théâtre en Perse* چاپ کرده بود که بعداً در سال ۱۸۷۸، آنرا مقدمه کتابش: *Théâtre persan* قرار دارد.

۴- Adam Olearius (۱۶۰۰-۱۶۷۱)، مراسم مختلفی را که ایرانیان در گرامیداشت علی (ع) و پسرانش برپا می داشتند و عمده عبارت از قرائت شرح حیات و وفات شهدای کربلا یا ایراد و عظم در آن باره بوده است، توصیف می کند، و به مناسبت به حق خاطر نشان می سازد که برای پیامبر جشن خاص وجود ندارد.

۵- ازینرو جای شگفتی است که *Dozy* در *Essai*، ص ۴۵۷ می نویسد: «تعزیه در دربار صفویه به کمال امروزی خود رسیده است». اما باید خاطر نشان ساخت که در عصر صفویان (۱۵۰۲-۱۷۳۶) چندین شاعر که

بزرگتر از همه آنان محتشم کاشانی - متوفی ۱۵۸۸ - است در بزرگداشت حسین (ع) و دیگر امامان، به سبکی پالوده و عاری از تصنع و تکلف که با اسلوب شعرای کهن ایران تفاوت فاحش دارد (براون، ص ۱۷۲-۱۷۳) مرثی‌ای سروده‌اند که تمزیه‌گویان بیگمان از آنها الهام پذیرفته‌اند. البته ممکن است - چنانکه براون در ص ۴۵۹ متعرض این معنی شده - که تحت تأثیر اروپا مرثیه به درام تبدیل شده باشد.

۶- چنانکه براون (Carra de Vaux) در (Le Mahométisme، ص ۱۴۳)، به درستی می‌گوید: «اگر نبوغ شعرایی که درباره این مضمون شعر سروده‌اند، همانند قدرت نبوغ یونانیان بود، می‌توانست آثاری بیافریند که عمق و قدرت دهشت‌انگیزی آن، از عمق و قدرت دهشتی که تئاتر یونان یا دستمایه سرگذشت خاندان آترید (Atrides) برانگیخته، بیشتر می‌بوده».



LE THEATRE PERSAN

ou

Le Drame de Kerbéla

PAR

Charles VIROLLEAUD

Membre de l'Institut



PARIS

LIBRAIRIE D'AMÉRIQUE ET D'ORIENT

ADRIEN-MAISONNEUVE

11, rue Saint-Sulpice

—
1950